

چرا فقط برای سیدالشهدا ((اربعین)) گرفته می شود؟



گرامیداشت یاد و خاطره شخص وفات یافته پس از مرگ او در همه ملل و ادیان رسمیت دارد و بعضی با گذشت یک ماه و بسیاری نیز پس از چهل روز از زمان فوت شخص برای وی تجلیل و بزرگداشت میگیرند در میان مسلمانان به ویژه شیعیان پس از شهادت امامان معصوم در نخستین اربعین آنان مراسم گرامی داشت انجام میشده است ولی شهادت امام حسین این ویژگی را دارد که روز اربعین حسینی هرساله تا قیامت ادامه خواهد داشت. شاید بتوان دو دلیل عمده برای این امر برشمرد که عبارتند از: اولاً، واقعه عاشورا دارای دو جنبه است: یک. شهادت؛ دو. اسارت

در روز عاشورا امام حسین، فرزندان خویشان و یاران آن حضرت را کشتند و اسیران کربلا را به کوفه و شام بردند و همین اسیران داغ‌دیده روز اربعین شهادت امام حسین و یارانش به کربلا رسیدند و همه مصائب روز عاشورا در آن روز تجدید شد تا جایی که روز اربعین روز سختی برای خاندان پیامبر بود. بنابراین مصیبت و سوگواری تا اربعین ادامه پیدا کرد و شیعیان با الگو برداری از اهل بیت، فقط برای سیدالشهداء اربعین می‌گیرند.

ثانیاً، امام جعفر صادق به زراره فرمود: ((ای زراره، آسمان تا چهل روز بر حسین بن علی خون بارید و زمین تا چهل روز تار و تاریک بود و خورشید تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و کوه‌ها تکه تکه شده و پراکنده گشتند و دریاها روان شدند و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گریستند و هیچ زنی از ما اهل بیت خضاب نکرد و روغن به خود نمالید و سرمه نکشید و موهایش را شانه نزد تا وقتی که سر عیبدالله بن زیاد را به نزد ما فرستادند و پیوسته از شهادت آن حضرت چشمان اشک آلود بود. «از این حدیث شریف که در صحیح ترین کتب حدیث شیعه (کامل الزیارات) نقل شده استفاده میشود که گریه آسمان، زمین، فرشتگان و آفتاب بر سید الشهداء تا چهل روز روش و عادت را در میان شیعیان به وجود آورده است که هر ساله غم و ماتم خود را بر سید مظلومان تا اربعین نگاه می‌دارند. بعید نیست که یکی از دلایل چهل روز عزاداری بر امام حسین همراهی کردن با سایر مخلوقات باشد که در روز چهلم با زیارت اربعین به پایان می‌رسد.

نکته مهم: اشک یا خون را در این گونه از روایات نباید بر اشک یا خون ظاهری حمل کرد چنان که نباید آن را انکار کرد توضیح

آنکه در سیارات آسمانی بارها انفجارهایی رخ می‌دهد که با چشم عادی هرگز دیده نمیشود ولی متخصصان با استمداد از علم نجوم و از رصدخانه به تماشای این انفجارها می‌نشینند. همان گونه که مردم عادی نباید خبر وقوع این انفجار را به صرف ندیدن آن با چشم ظاهری انکار کنند خون گریه کردن آسمان و زمین را نیز نباید انکار کنند زیرا این موارد نیز جزء علوم نیست که بشر عادی آن را نظاره کند. حتی از رصدخانه نیز دیده نمیشود. اساساً امر ملکوتی را هرگز نمی‌توان با ابزار ملکی ادراک کرد؛ به عنوان مثال با دقیق ترین و پیشرفته ترین ابزار فن رصد آسمان نمیتوان مشهودات رؤیای صادق انسان خوابیده را رصد نمود.

اگر یوسف عصر در رؤیای صادق خویشت مشاهده نماید که یازده ستاره به همراهی ماه و آفتاب برای وی سجده کردند هرگز چنین صحنه ای را نمیشود با هیچ رصد خانه ای تصدیق یا تکذیب نمود. غرض آنکه معنای اشک ریزی یا خون باری ملکوتی نه مورد تصدیق فن تجربی است و نه در قلمرو تکذیب آن قرار میگیرد و هیچگاه بعید بودن یک کاری به جای یک امر محال نمی‌نشیند. کسی که صاحب بصر نیست تا ببیند، الاقل باید صاحب نظر باشد که گوش شنوا به ندای صاحب بصران داشته باشد. برای تحقیق این موارد علم مخصوص لازم است که اصطلاح و متخصصان ویژه خود را دارد که اهل ولایت و علمای بزرگ دینی هستند. آنان این گونه از احادیث را با جان پذیرفتند و فهمیدند که آسمان و زمین خون گریه میکنند. از امام زمان (عج) نیز نقل شده است که به امام حسین (ع) عرض میکنند: اگر اشک چشمم تمام شود، برایت خون میگیرم

و لِأَبْكَيْنَ عَيْكَ بَدَلَ الدَّمِوعِ دَمًا .

بهرتر از کیمیا

این روزها اربعین واژه آشنایی است. از کوچک و بزرگ که میپرسی محال است آن را نشناسد و یا به گوشش نخورده باشد. مگر میشود کسی دلداده حسین بن علی(ع) و فاطمه(س) باشد و در مسیر عاشقی نباشد.

شکوه اربعین و عظمتی که حضور چندین میلیونی محبان امام حسین(ع) در موسم اربعین این سالها به وجود آورده است، به هیچ وجه در ظرف محدود کلمات نمیگنجد. واژهها حتی اگر به زیبایی، هنرمندانه و شاعرانه نیز کنار هم چیده شوند باز هم نمیتوانند بخش اندکی از مفاهیم والا، عظیم و جلوه های بی مانند انسانی و محمدی اقیانوس اربعین و داستان این معجزه را توصیف و تبیین کنند.

اربعین راز سربه مهریست که هنوز گویا زمان افشای آن نرسیده و محشر کبریایی است که هنوز تجربه ی بشر لیاقت حضورش را نیافته است. مگر میشود پیاده روی اربعین را کسی نشناسد. وقتی کشیش مسیحی، راهب بودایی و هندو به زیارت اربعینی امام حسین(ع) می آیند، حضور امت شیعه از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب این کره خاکی در کرب و بال که تعجبی ندارد.

جاذبه حسینی هر قلب پاک، بی ریا و بی نفاق را به سوی خود میکشاند و همه را در رودخانه صداقت اربعین میریزد و در فرات عشق نظر کرده ی خداوند، غسل زیارت میدهد و این وحدت وجود امامی است که دلها را به یک مسیر میبرد.

عشق به امام حسین(ع) و مظلومیتش و اربعینی که صراط مستقیمی است که آن را

یگانه راه هدایت میدانند و از راههای دیگر برحذر می دارند.

نه اینکه فقط پاها باشند تا راهیت کنند سمت کربلا و نه جسم که حرکت کند. این روزها قلبها نیز سرگشته شده و ناخودآگاه به سمت کربلا مایل شده اند. قدم قدم راه میروند و در هر قدم بر مصیبتهای امام حسین(ع) و اهل بیتش ضجه میزند.

قلبهایی سرگشته که شاید پیش از اربعین هر یک به سمت و سویی بود ولی، اینک به سوی امام حسین و کربلا میروند.

وقتی شوق عاشقی را در مسیر میبینی و دلدادگی به ارباب دلها را در قدمهای استوارشان به نظاره مینشینی تا شاید زودتر دیدارشان به دیدار فرزند فاطمه و علی شیر خدا بیفتد... زبان قاصر است از این همه جلال و شکوهی که همه را متحیر کرده.

میگویند عاشق شدن سختی دارد و بارها و بارها از آن نوشته اند ولی چه عجیب است عاشق ثارالله بودن. عشقی که ذره ای سختی ندارد و گرما و سرما برایش مفهومی ندارد و هر سال میلیونها عاشق این مسیر سخت و طولانی را بدون آنکه شکایتی داشته باشند به سمت یک مقصد مشخص حرکت میکنند، رسیدن به محبوب.

باز هم میخواهم از اربعین بگویم. واقعا نمیتوان پیاده روی اربعین را وصف کرد. هرچقدر خسته تر میشوی شوق تو برای رسیدن بیشتر میشود. انگار چیزی تو را به سوی خودش میکشد. بهترین لحظه این سفر عاشقی وقتی است که آخرین قدم ها را بر میداری و بارگاه نورانی امام حسین(ع) را از دور میبینی. بی اختیار اشک از چشمانت جاری میشود.

همه و همه با سر و صورتهای خاکی قدمهای آخر را برای محبوبشان بلندتر و بلندتر

بر میدارند و چقدر دلم تنگ میشود برای این قدمهای آخر.

کاش من هم امسال کربلا بودم... اینجا هزاران هزار بار نه راه را بلکه خودت را گم میکنی. هزار بار از خودت منصرف میشوی وقتی میبینی همه از خودشان منصرف شده اند و پا در راه گذاشتهاند. محو میشوی در توده ی این ملت عاشق، ملتی که یک ملت نیستند. این ها امت اند، امت اسلام.

اینجا ناله ها صدای عشق سر میدهند. ناله و اشک و قدم و قلب اینجا در تک تک ذرات وجود مسافران کربلا متبلور میشود. آنقدر صاف و شفاف حرکت میکنند که گویی هماهنگی آنها از ازل مقدر شده است.

میمانی از این نمایش عظیم بشری و میمانی از این بزرگ اجتماع انسانی. میمانی از آتشی که بعد از هزار و چهارصد سال هر روز سوزناک و سوزانتر است.

اینک این حسین(ع) و کربلایش، از دل تاریخ فریاد میزند و انسان را به آزادگی و وارستگی فرا میخواند. بی رنگ و نژاد و جنس و ملیت

...سلام بر شهید بی سر، سلام بر خواهر مضطر، سلام بر شیرخواره ی بی شیر، سلام بر دختر سه ساله ی بی معجر، سلام بر علمدار بی دست و علم و سلام بر صاحب مشک بی آب ...

صاحب امتیاز: امیرحسین احسانی

مدیر مسئول: امیرحسین احسانی

سردبیر: امیرحسین احسانی

شماره مجوز: ۱۴۰۳/د/۱۳۸۹۵۷

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی